

سُورَةُ السَّجْدَةِ ۳۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران

الم

﴿۱﴾

رمزی باشد از الف و ز لام و میم هست خداوند بر رموز آن علیم

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

﴿۲﴾

نیست شکی، این کتاب بس مُبین گشته است نازل زِ ربِّ العالمین

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۚ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

﴿۳﴾

این‌چنین گویند آن اهلِ فتن از خودش بافد رسول این‌سان سخن

نیست این طور، بلکه با آیاتِ ناب تو دهی هشدارشان روی حساب

تا بترسانی تو قومی کز سبق هیچ پیغمبر ندید از سوی حق

تا مگر گردند هدایت سوی راه وارهند از گم‌رهی و هم گناه

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ ۚ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

آن بود ذاتِ اله که آفرید
وانچه از موجود هست در بینشان
استوار فرمود آنگه آن کریم
نیست شما را یار و یاور، غیرِ هو
از چنین قدرت ز ذاتِ کردگار
این زمین و آسمان آورد پدید
مدّت شش روز، در بُعدِ زمان
عرشِ اعلیٰ با چنان شأنِ عظیم
نه شفیع و نه ولی، بی‌گفتگو
هیچ نمی‌یابید تذکر آشکار؟
يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

بر هدایت او به تدبیر در جهان
می‌رسد روزی چو آید مهلتش
می‌برد آنگاه او بر سوی خویش
راند از حکمت زمین و آسمان
که هزار ساله بخوانید مدّتش
تا به رجعت آورد مخلوق پیش
ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

این همان ذاتِ خداوند ودود
بی‌نیاز و هم عزیز و هم کریم
عالم و داناست بر غیب و شهود
بر همه خلق جهان باشد رحیم
الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ

آن خداوندی که هر چه آفرید
او ز خاک تیره در روزِ نخست
بهترین وجه کرد مخلوقات پدید
خلقتِ آدم ز حکمت کرد درست
ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ

نسل او را مستمراً برقرار او ز آبی پست بنمود پایدار

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ ۖ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۚ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

﴿ ۹ ﴾

پس نکو آراست جسم و قالبش هم دمید از روح خود در پیکرش
بر شما بنمود عطا، چشمان و گوش همچنین قلب و ز ادراک و ز هوش
لیک اندک در سپاس و بندگی شکر ایزد را کنید در زندگی

وَقَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۚ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ

﴿ ۱۰ ﴾

کافران آرند سؤالی این چنین که پس از نابودی ما در زمین
باز آید زندگی بر ما پدید؟ هم برون آییم چون خلقی جدید؟
باشد آری! این چنین، لیکن کافران منکرانند بر لقای ربّشان

﴿ ۵ ﴾ قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

﴿ ۱۱ ﴾

ای نبی! می گن بیان بر کافران که رسد از ره ملک موت ناگهان
می کند او قبض، روح و جانتان بازگشت خواهید نمود بر ربّتان

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ

﴿ ۱۲ ﴾

گر ببینی ای رسول! نزد اله سرفکنده جمله ی اهل گناه
این بگویند، ربّنا دیدیم عذاب گوشمان بشنود فرمان عقاب

ده حیاتی باز و رجعت بر زمین تا شویم در زمره‌ی اهل یقین
وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

﴿۱۳﴾

گر که می‌خواستیم با جبر در بر هدایت جمله می‌بردیم درست
نخست

لیک هر وعده ز ما حتمیست آن که عقوبت هست بعد از امتحان
دوزخ از کفار، ز جن و هم ز انس پُر بسازیم جمله از هر گونه جنس

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

﴿۱۴﴾

پس چشید طعمِ عذابی از سزا چون فراموش کردید این روز جزا
ما شما را همچنین بُردیم ز یاد چون بود روز جزا و عدل و داد
هم چشید طعمِ عذاب را جاودان چون بود آن حاصلِ اعمالتان

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١٥﴾

﴿۱۵﴾

آن کسانی که به آیات مؤمنند نام حق تا بشنوند از روی پند
پس به حمدش سجده آرند بر اله هم تکبر نیز نورزند هیچ‌گاه

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

﴿۱۶﴾

جمله از بستر به شب گردند جدا تا بیارند یک نماز سوی خدا

ذاتِ ایزد را بخوانند از امید هم زِ خشیتِ باز می‌یابند نوید
می‌کنند انفاقِ مال از کم و بیش آنچه دارند روزی و از رزقِ خویش
فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّنْ قُرَّةٍ أَعْيَنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

﴿۱۷﴾

هیچ کسی هرگز نداند آن‌چنان کز نعم‌های نهفته در جهان
روشنی بخشند چگونه دیده‌ها حاصل اعمالشان هست این بها
أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ

﴿۱۸﴾

پس بوند آیا برابر مؤمنان؟ با گروه جاهلان و فاسقان؟
نیست هرگز نزد آن پروردگار بر تساوی این گروه در روزگار
أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

﴿۱۹﴾

لیک آنها که شدند اهلِ یقین کارِ نیکو بس بکردند در زمین
جای گیرند اندر آن باغِ بهشت حاصل اعمالِ نیک، این سرنوشت
وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۖ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ
ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

﴿۲۰﴾

لیک گروه فاسقانِ بس لئیم قعر دوزخ مانده در نارِ جحیم
چون تلاشی آورند آیند برون بار دیگر می‌شوند نیز سرنگون
می‌شود آنگاه بر ایشان خطاب که چشید این مزه‌ی نار و عذاب

زانچه تکذیبش بکردید در جهان این عِقاب ایزد از جهل گران
وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

﴿۲۱﴾

می‌چشند ایشان سبک‌تر از عذاب قبلِ دوزخ که بود سنگین عِقاب
که مگر شاید بگیرند جمله پند بازگردند سوی حق و سر نهند
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ

﴿۲۲﴾

چه کسی باشد یقین ظالم‌ترین؟ زان که خوانند بهر او آیات دین
لیک از جهل اعتراض آورده سخت سر بیچد از عناد آن تیره‌بخت
ما بگیریم انتقام در واپسین از چنین قومی که هستند مجرمین
وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ

﴿۲۳﴾

ما عطا کردیم موسی^۱ را کتاب بعد از آنکه در لقاء گردید خطاب
شک مکن، کردیم هدایت آشکار بر بنی‌اسرائیل اندر روزگار
وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا^۲ وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ

﴿۲۴﴾

پس ز آن قوم هم قرار دادیم ما پیشوایانی که بودند رهنما
در شکیبایی و صبر، بس استوار بر یقین از آیه‌های کردگار
إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

﴿۲۵﴾

رَبِّ تَوَّارِدِ قَضَاوَتِ یَوْمِ دِینِ زانچه کردند اختلاف اندر زمین
 أَوَّلَمَ یَهْدِ لَهُمْ کَمَ أَهْلَکْنَا مِنْ قَبْلِیْهِمْ مِّنَ الْقُرُونِ یَمْشُونَ فِی مَسَاکِنِهِمْ ۚ إِنَّ فِی ذَٰلِكَ
 لَآیَاتٍ ۖ أَفَلَا یَسْمَعُونَ

﴿۲۶﴾

هم نمی‌فهمند که ما اقوام پیش؟ بر هلاکت برده اندر وقت خویش
 راه روند در منزلی که آن اُمم می‌نمودند زندگی نیز دُور هم
 گوششان هیچ نشنود آیات ناب؟ زین نصایح که بیامد در کتاب
 أَوَّلَمَ یَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَ أَنْفُسُهُمْ ۚ
 أَفَلَا یُبْصِرُونَ

﴿۲۷﴾

هم نمی‌بینند چگونه از سحاب؟ بر زمین خشک رانیم سیل آب
 تا زراعت حاصل آید در زمین که خورند ایشان و حیوان اجمعین
 پس نمی‌بینند این قدرت عیان؟ این همه انعام و لطف بی‌کران
 وَ یَقُولُونَ مَتٰی هٰذَا الْفَتْحُ ۚ اِنْ کُنْتُمْ صَادِقِیْنَ

﴿۲۸﴾

باز پرسند کاین ظفر اندر جهان کی پدیدار آید و گردد عیان؟
 پاسخی آرید، کنید آن بازگوی گر که هستید مردمانی راستگوی
 قُلْ یَوْمَ الْفَتْحِ لَا یَنْفَعُ الدِّینَ کَفَرُوا اِیْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ یُنْظَرُونَ

﴿۲۹﴾

گو، که روز فتح می‌آید عیان لیک ندارد سودی بهر کافران

بعد از آن ایمان بیارند گر همه نیست مهلت بهرشان زان مرحله
فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرِ إِنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ



ای رسول! رویت بگردان زین کسان بر خطا رفتند جمله در جهان
منتظر باش تا رسد فتحِ مُبین این گروه هم منتظر مانند چنین